



## زنده باد اتحاد جهانی کارگران

اعلامیه حزب کمونیست بمناسبت اول ماه مه

### پیامدهای جنگ خاورمیانه

منصور حکمت

\* رویدادهای کردستان عراق

منصور حکمت

\* نتایج سیاسی و ایدئولوژیکی جنگ خاورمیانه

حمیده تقوایی

\* جنگ و رسانه های غربی

ناصر جاوید

\* جنگ و جناحهای رژیم اسلامی

ایرج آذرین

\* عظمت طلبی ایرانی بیدار میشود

اصغر کریمی

### فعالیت در میان کارگران در خارج کشور

اسناد و مصوبات

\* اطلاعیه پایانی پلنوم نوزدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

\* قرار دفتر سیاسی در مورد حدود اختیارات و وظایف کنفرانس تشکیلات خارج کشور

\* اسناد و مصوبات کنفرانس دوم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران

نگاهی به انتشارات جدید

# زنده باد اتحاد جهانی کارگران

اعلامیه حزب کمونیست بمناسبت اول ماه مه

دشمنی کاذب میان انسانها بر اساس مذهب، نژاد و ملیت، و جان میلیونها انسانی که در این جدالهای ساختگی از میان می‌رود ابزار اعمال این راه حل است. راه حلی که بنام آن در تنها در آغاز امسال نابودی و مشقات میلیونها نفر از مردم کرد و عرب در خاورمیانه را به جامعه بشری تحمیل کرده‌اند.

اما طبقه کارگر نمیتواند شرایط موجود و این راه حل‌هایی را که متضمن قربانی شدن هر روز و هرساعته اوست بپذیرد. اعتراض کارگری در برابر شرایط موجود ناگزیر بار دیگر به راس همه جوامع کشیده میشود و حقانیتش را با نیروئی فزونی‌تر به کرسی مینشاند. میدان جدالها و صف آرائی طبقات بر بستر شرایط جدید گسترده میشود. جدالهایی که ناگزیر سرنوشت بشر و جهان بشری را در دستور میگذارد. طبقه کارگر ناگزیر است که در مقابل همه آن راه‌های بورژوازی را محل خود را عرضه کند. راه حلی که بر آزادی و برابری بی چون و چرای انسانها، بر پایان دادن به اسارت بشر و تساوی همگان در بهره‌مندی از امکانات و ثروت جامعه بشری تاکید دارد. دور ریختن حصارهای ملی، نژادی و مذهبی و شکل‌گیری اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگری در مقابل سرمایه داری حیاتی‌ترین امر فراروی صفوف کارگری است.

اول مه هر سال فراخوانی به اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگری است. ضرورت این اتحاد هیچگاه چنین مبرم و حیاتی نبوده است. اول ماه مه امسال را با پیمائی دوباره برای ایجاد صف واحد و جهانی کارگران گرامی میداریم.

دنیا غرق ثروت است. اما بی‌تامینی و فقر روز به روز بیشتر زندگی حتی کارگران اروپائی و امریکائی را نیز میفشرد. نیروی آفرینندگی کار کارگر ابعادی واقعا معجزه‌آسا یافته است. اما انسان کارگر بیش از هر زمان خود را در موقعیتی غیر انسانی مییابد. هیچگاه جامعه بشری وسایل و امکان رفاه همگان را در چنین ابعاد غول‌آسایی در اختیار نداشته است. اما هیچگاه مانند امروز توده وسیع جامعه انسانی نه تنها در آفریقا و آسیا بلکه در خیابانهای اروپا و آمریکا از دسترسی به این امکانات محروم و اسیر گرسنگی، بی‌خانمانی، بی‌تامینی و کابوس آینده نامعلوم نبوده است.

دنیا ناگزیر به دنبال پاسخی به این بیعدالتی عظیم است. یا فروریختن سرمایه‌داری دولتی در شرق، دمکراسی و اقتصاد بازار بعنوان تنها پاسخ معتبر به وضع کنونی جهان زده میشود. اگر این شعار بتواند در بخشهایی از جهان فریبنده باشد، در مهد دمکراسی و بازار نمیتوان پنهان کرد که شرایط ضد بشری موجود تماما محصول چیزی است که حاکمیت دمکراسی و بازار خوانده میشود. بغلاوه در اروپای شرقی نیز اکنون توده‌های مردم با بیکاری میلیونی و سقوط سطح زندگی و گسترش بی‌تامینی اجتماعی واقعیات این راه حل را شروع به تجربه کرده‌اند. بورژوازی تاکید مجدد به بردگی انسان به کار مزدی را راه نجات از همین بندگی و مشقات ناشی از آن اعلام میکند! کریتر از آن اینکه در چهار گوشه جهان انواع ارتجاع مذهب و ناسیونالیسم بتکاپو افتاده‌اند تا انسانها را در مقابل این پاسخ به تمکین بکشانند. شکاف و

حزب کمونیست ایران

اول اردیبهشت ۱۳۷۰

---

## آزادی، برابری، حکومت کارگری

---

# پیامدهای جنگ خاورمیانه

## رویدادهای کردستان عراق

بلافاصله پس از آتش بس در جنگ آمریکا با عراق، شاهد کشمکشهای درونی در خود این کشور و بویژه آوارگی میلیونی مردم کردستان عراق بودیم که هزاران نفر انسان بیگناه را قربانی گرفت. نظر دفتر سیاسی حزب کمونیست در این مورد چیست و چرا برای مثال بیانیهای در این مورد از طرف حزب کمونیست صادر نشده است؟

منصور حکمت:

علت عدم صدور بیانیه و در واقع علت فقدان یک عکس العمل رسمی از طرف دفتر سیاسی تا امروز بار عملی است که این واقعه برای تشکیلات کردستان حزب کمونیست دارد. تشکیلات ما در کردستان در متن و مرکز ثقل این تلاطم و کشمکشها قرار داشته است. هر عکس العملی از طرف دفتر سیاسی که تشکیلات کردستان حزب را با عمل انجام شده روبرو کند و از بالای سر این تشکیلات آن را در موقعیت عملی جدیدی در قبال طرفین درگیر در منطقه قرار بدهد غیرمستولانه میبود. نبود ارتباط سریع با رفقای رهبری کومله در کردستان بدنهال جنگ در منطقه مانع از این بود که ما بتوانیم به موقع در هماهنگی و تبادل نظر با این رفقا موضع رسمی از طرف حزب علنا اعلام کنیم. بعلاوه، تاکنون یک مبنای استفاده تشکیلات کردستان حزب از امکانات اردوگاهی در خاک عراق عدم دخالت در امور داخلی این کشور بوده است، و این مستقل از نظر فردی هرکس در مورد رویدادهای اخیر، دامنه اظهار نظر رسمی حزب کمونیست را محدود میکند.

با توجه به این نکات دفتر سیاسی طی قراری، ضمن بیان رئوس تبیین سیاسی خود از رویدادهای اخیر، به تشکیلات اعلام کرد که حزب کمونیست ایران در سطح رسمی خود را به جنبه انسانی این رویدادها و

بیان کلیات یک تبیین سیاسی محدود میکند. در عین حال مانند همیشه اعضای حزب کمونیست ایران، از جمله اعضای کمیته مرکزی و دفتر سیاسی، مجازند چه در تبلیغات حضوری و شفاهی و چه در کتب و مقالاتی که به نام خود و خارج از ارگانهای رسمی حزب منتشر میکنند تبیین جامع و دقیق خود از مساله را ارائه کنند. واضح است که دفتر سیاسی و هر عضو حزب کمونیست، همانطور که در قبال حمله آمریکا به مردم عراق از عرب و کرد و ترک چنین بود، خود را شریک و همدرد مردم زحمتکش در مشقاتشان میداند و خواهان رفع فشارها و تنگناها تامین و امنیت و رفاه برای مردم محروم کردستان است. اما در سطح سیاسی از هم اکنون مشخص است که تبیینهای گوناگونی در حزب کمونیست ایران در قبال این مساله وجود دارد که ما امیدواریم نوشته و منتشر بشود.

تا آنجا که به دفتر سیاسی مربوط میشود میتوانم به چند نکته اینجا اشاره کنم. اولاً آوارگی و مصائب امروز مردم کردستان را، صرفنظر از مسببین عملی امروزیاش، باید در پیوستگی با کل بحران اخیر و در رابطه مستقیم با سیاست امپریالیستی ائتلاف آمریکا در منطقه دید. جدا کردن اینها از هم و تبیین مساله بصورت تقابل سنتی عرب و کرده و یا دولت مرکزی و خودمختاری طلبان، محدودکننده و گمراه کننده است. بدیهی است که بالاگرفتن

موج اعتراضات مردم و تلاش دولت مرکزی برای تثبیت موقعیت خودش پس از جنگ، تقابل ناسیونالیسم عرب و کرد، فاکتورهای مستقما دخیل در این رویدادها بوده اند. اما تنها در متن شرایط جهانی پس از سقوط بلوک شرق، و همینطور بر مبنای صفتندی مشخصی که حول خط مشی مهلتاریستی آمریکا در منطقه شکل گرفت، است که این تضادها وبخصوص تقابل ناسیونالیسم کرد و عرب توانست چنین ابعادی را بخود بگیرد و چنین نتایجی را به بار بیاورد. ثانیاً، موضع کمونیستی به این ترتیب موضعی انتقادی به کل گرایشات و حرکتیهای بورژوازی درگیر در این رویدادهاست. مشقات مردم کردستان نه فقط ادعاینامه ای علیه امپریالیسم و رگه های گوناگون ناسیونالیسم، بلکه همچنین افشاگر دموکراسی بورژوازی و لیبرالیسم و رفرمیسم اروپا-محوری است که بویژه در غرب زمینه و توجیه معنوی و حقوقی این فجایع را فراهم کرده است.

یک نکته باید در مورد آینده مساله آوارگی کرد اضافه کنم و آن طرح کولونیالیستی "پناهگاه امن" است. این سرآغاز محروم کردن ملت کرد از هرگونه حق شهروندی و تثبیت آوارگی دائمی ملت کرد است. اجرای این طرح امنیت اجتماعی و حقوق مدنی و شهروندی مردم کرد در کلیه کشورهای منطقه را زیر سوال میبرد. تائید این طرح با این تصور که گویا به این ترتیب مساله کرد در سطح جهانی "مطرح ممانند" و یا کردها را به داشتن سرزمین مستقلی نزدیک میکند کوتاه بینانه است. ممکن است اپوزیسیون ناسیونالیست کرد در این طرح دورنمای کسب موقعیتی شبیه سازمان آزادیبخش فلسطین را ببینند، اما این به قیمت گسترش بیحقوقی مدنی و سیاسی ملت کرد، تا حد ملت فلسطین، تمام خواهد شد.

# نتایج سیاسی و ایدئولوژیکی جنگ خاورمیانه

نتایج سیاسی پیروزی نظامی آمریکا در جنگ چیست و تا چه حد این پیروزی نظامی اهداف سیاسی آمریکا از این جنگ و مشخصا دورنمای مورد نظر آمریکا در مورد یک نظم نوین جهانی را نامین می کند؟ تأثیرات نهولات اخیر بر فضای فکری و سیاسی جهان و نیز بر موقعیت جنبشهای کارگری و سوسیالیستی چیست؟

## منصور حکمت:

اطلاق "پیروزی نظامی آمریکا" به آنچه رخ داد توصیف درستی از وضعیت نیست. با توجه به تفاوت تکنولوژیکی دو طرف و نیرویی که آمریکا در منطقه گرد آورده بود نتیجه جنگ از پیش معلوم بود. در واقع جنگی صورت نگرفت. آنچه گذشت قتل عام عامدانه و از پیش طرح ریزی شده بیش از صد هزار سرباز گرسنه و در حال عقب نشینی بود. آنچه که این واقعه قرار بود بدینا نشان بدهد نه تفوق نظامی آمریکا بر عراق، بلکه این بود که آمریکا آماده است تا برای تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی اش در چهارچوب دنیای بعد از سقوط بلوک شرق به قساوت آمیزترین اقدامات نظامی دست بزند و دنیا باید برای این ژاندارم خود گمارده حساب ویژه ای باز کند و باج لازم را به او بدهد.

آیا این قدرتمندی آمریکا را به تامین اهداف سیاسی اش نزدیک تر کرده است؟ باید خود این اهداف را بدرستی شناخت. امروز توجه عمومی به خاورمیانه و عواقب جنگ اخیر بر سرنوشت اعراب و اسرائیل و مساله فلسطین، و ساختار منطقه ای قدرت معطوف شده است. با اینحال باید تاکید کرد که معضلات و معادلات منطقه ای در خاورمیانه عاملی ثانوی در محاسبات آمریکا بوده است. مساله اصلی موقعیت آمریکا در ساختار قدرت در مقیاس بین المللی است که با سقوط بلوک شرق باید از نو تعریف شود. مساله بر سر تقسیم قدرت در بین قدرتها و قطبهای اصلی سرمایه داری در جهان است. تا قبل از بحران خاورمیانه سیر اوضاع اقتصادی بر افول تدریجی آمریکا و بیدایش تناسب جدیدی

تا آنجا که به این هدف محوری مربوط میشود، آمریکا لاقط در کوتاه مدت موفق شده است. اروپا و ژاپن پیام را گرفته اند، میخ دیگری به تابوت شوروی بعنوان یک قدرت نظامی و یک بازیگر اصلی در صحنه جهانی و بخصوص خاورمیانه کوبیده شد. معلوم شده است که روند پیدایش قطبی به اسم اروپا نمیتواند بدون دادن آوانسهای جدی به آمریکا دنبال بشود. نقش ژاندارمی آمریکا در سطح جهان از نظر بورژوازی اروپا فعلا تمدید شده و صحبت جایگزینی ناتو با آرایشهای جدیدی که در آن اروپا استقلال عمل نظامی بیشتری بدست بیاورد فعلا فروکش کرده است. آلترناتیوهایی که امروز مورد بحث است، مانند یک اتحاد نظامی جدید در غرب و یا فعال کردن سازمان ملل در یک نقش نظامی - امنیتی مدافع منافع غرب در سطح جهانی، هریک به نحوی برسمیت شناسی اقتدار و نفوذ آمریکا را در خود دارد.

لکنه قابل توجه اینجاست که رویداد اخیر در خاورمیانه عملا تناسب قوا میان اعراب و اسرائیل را به ضرر اسرائیل تغییر داده است. بنظر میرسد که در هم شکستن ناسیونالیسم میلپالت عرب، که در این دوره بدلاک مختلف در یک ائتلاف عراقی - فلسطینی مجسم شده بود، بصورت پیش شرطی و مقدمه ای برای آوانس دادن به جناحهای میانه رو بورژوازی عرب عمل کرده است. حل و فصل مساله فلسطین و پیوند نزدیک تر با بورژوازی عرب به بالای دستور غرب و آمریکا رانده شد. این روند را از پیش میشد مشاهده کرد و نتیجه جبری پایان رقابت غرب و شرق در صحنه جهانی بود که به اسرائیل موقعیت ویژه ای در استراتژی عمومی غرب مهیجشده. با اینحال "پیروزی نظامی آمریکا" ضرورت عقب نشینی اسرائیل (متحد سنتی آمریکا و غرب) را در مقابل اعراب برجسته تر کرده است. اما اینجا هم آمریکا، با کشت و کشتار در خاورمیانه، این امتیاز را بدست آورده که در شکل مشخص تعیین تکلیف مساله فلسطین نفوذ منحصر بفردی پیدا کند. ایده کنفرانس بین المللی، که شوروی یک مدافع اصلی آن بود و این اواخر کمابیش سر زبان همه، بجز اسرائیل و آمریکا، افتاده بود، فعلا ضعیف شده و در عوض حل و فصل مساله با دلای و حکمت

مستقیم خود آمریکا مورد توجه قرار گرفته است.

یک بهره برداری دیگر آمریکا مسلح شدن حضور نظامی این کشور در خاورمیانه است که بعنوان یک سیاست رسمی اعلام شده است. در سایه قدرت نمایی اخیر، مقاومت در مقابل این سیاست آمریکا از جانب بخشهای دیگر بورژوازی جهانی اندک بوده است.

واضح است که قدرتمندی نظامی آمریکا، و امتیازات سیاسی و نظامی ناشی از آن، یک هدف در خود نبوده و قرار است به منفعتهای مشخص اقتصادی برای بورژوازی آمریکا بیانجامد. هم اکنون در خاورمیانه شرکتیهای آمریکایی بیش از هفتاد درصد قراردادهای مربوط به باز سازی کویت و عربستان سعودی را که در طول ۵ سال آینده به صد میلیارد دلار بالغ میشود را به خود اختصاص دادهاند. آلمان و ژاپن رسماً از هر نوع دخالتی در این امر کنار گذاشته شدهاند و حتی انگلستان که توجه فعال آمریکا در این جنگ بوده است ناگزیر شده رسماً در مورد تبعیضات علیه شرکتیهای انگلیسی به خود مقامات آمریکایی شکایت کند. در میان مدت کنترل آمریکا بر تولید و قیمت گذاری نفت خاورمیانه تحکیم شده و این میتواند بعنوان ابزاری در خدمت تحت فشار گذاشتن رقبای اقتصادی این کشور و تقویت سرمایه آمریکایی عمل کند. در یک سطح وسیع تر، هم اکنون در رابطه با ژاپن و صادرات و موازنه پرداختهای این کشور لحن آمریکا تحکم آمیز تر شده است. لاقلاً تا آنجا که به خاورمیانه مربوط میشود آمریکا این موقعیت را بدست آورده است که برای دوره‌ای سهم سرمایه های کشورهای مختلف در تولید و فروش در این بازارها را به نفع خود تعیین کند.

با اینحال تاخت و تاز آمریکا حدود و ثنور تاریخی معین و محدودی دارد. منطق جهان سرمایه داری پس از جنگ سرد تجدید آرایشی به زبان آمریکا و به نفع یک توازن سیاسی جدید میان قدرتهای کاپیتالیستی اصلی را ایجاب میکند. تجدید

آرایش اروپا و شکل گرفتن یک قطب بورژوازی دیگر که فضا را بر آمریکا تنگ تر میکند اجتناب ناپذیر است. معادلات اقتصادی اساسی میان این کشورها در نتیجه وقایع اخیر خاورمیانه تغییرات بنیادی نمیکند. جواب بارآوری بالای اقتصاد ژاپن و آلمان و یا تخریب پایه صنعتی اقتصاد آمریکا را با قدرت نمایی نظامی نمیشود داد. قدرتمندی امروز آمریکا دیر یا زود توسط حرکت پسوی وحدت اروپا هضم میشود و بار دیگر روندهای پیشین مهر خودشان را به تناسب قوای میان قدرتهای سرمایه داری خواهند زد. بهرون آمدن مردم زحمتکش جهان از فضای ارباب کنولی و درهم ریختن تصویر امروزی آمریکا بعنوان ارباب دنیا شاید کمی بیشتر طول بکشد، اما بهرحال گریز ناپذیر است.

از نقطه نظر تاثیرات ایدئولوژیکی جنگ، اولین نتیجه مشهود و قابل تامل تحولات اخیر پایان یافتن کل فاز تبلیغاتی جهان غرب پیرامون دموکراسی و حقوق بشر است که در رابطه با بحران بلوک شرق و بعنوان فشار ایدئولوژیک روی این بلوک آغاز شده بود. این بساط فعلاً برچیده شده و چهره ضد دموکراتیک و سرکوبگر سرمایه داری، به قیمت جان دهها هزار انسان بیگناه و درددلی و آوارگی میلیونها نفر در عراق و کویت، از پرده بیرون افتاده. خوشبینی خام اندیشانه در مورد آینده‌ای مملو از صلح و صفا و رای و انتخابات و سلامت محیط زیست زیر سایه بازار که طی کمپین غرب علیه بلوک شرق در اذهان روشنفکران طبقات میانی در غرب و شرق و کشورهای جهان سوم کاشته شده بود فرو ریخته. یکبار دیگر منطق بنیادی سیاست در جهان سرمایه داری، منطق میلتاریسم و زورگویی، جلوی چشم مردم گرفته شده. رسانه های بورژوازی دوباره رسماً کلام و زبان و اصطلاحات دوره استعمار را بکار میبرند. رئیس جمهور آمریکا علناً ژست ارباب و داروغه دنیا را بخود گرفته که حتی سهرالتون باید از شرارت فلان جوخه چریکهای چارلز تیلور مستقیماً نزد او شکایت ببرد و ملیون کردستان باید دست بدامن او بشوند. قبح دخالتگری نظامی

ریخته و برای مثال از هم اکنون زمینه سازی تبلیغاتی آمریکا برای اشغال کوبا در آینده نزدیک، با متهم کردن کوبا و شخص کاسترو به کمک به قاچاق مواد مخدر به آمریکا، شروع شده است.

روشن است که صراحت پیدا کردن منطق زور و دور ریخته شدن تبلیغات مربوط به حقوق بشر و دموکراسی بخودی خود به رواج انتقاد رادیکالی به سرمایه داری و امپریالیسم و مفاهیم توخالی‌ای که سلطه‌اش را با آن توجیه میکند منجر نشده است. حتی در خود جنبش ضد جنگ، علیرغم وجود جوانه هایی از یک نگرش رادیکال انتقادی، چهارچوب ایدئولوژیکی غالب را نوعی پاسیفیسم غیر سیاسی تشکیل میداد که خود پیشفرضهای امپریالیستی و حتی نژادپرستانه ایدئولوژی رسمی را با خود حمل میکرد. تاثیر فکری فوری قدرتمندی آمریکا، صراحت پیدا کردن خصلت امپریالیستی و شبه کولونالیستی ایدئولوژی رسمی در غرب از یکسو و فلج شدن و تسلیم جریانات اصلی تفکر اپوزیسیونی از سوی دیگر است. گرایشات اپوزیسیون ایدئولوژی رسمی در غرب، جریانات لیبرال، اومانلیست، سبز و رفرمیست و دنباله روان آنها در میان روشنفکران دلخوش بلوک شرق و جهان سوم در نتیجه اوضاع جدید منک و پا درهوا شدند. دموکراسی غربی با شوارتسکف و بوشاش و با جنازه هایی که از کویت تا بصره روی هم تلنبار کرد پرورده تازه به جریان افتاده سمبهای خشونت و استبداد در بلوک شرق و جهان سوم را دوباره بایگالی کرد. "عصر سقوط دیکتاتوری ها" شروع نشده پایان یافت. دودی که قرار است تا دهسال دیگر از چاههای نفت کویت و عراق در هوا پراکنده شود، مردمی که از آب دجله میخورند و کودکانی که در کوههای کردستان از سرما و بی غذایی جان میهند قطعاً دلفین ها و پاندهای در حال انقراض را از یاد مردم مهربد. اوضاع جدید با خود بحران انتقاد نمیند به سرمایه داری معاصر را به همراه دارد.

این یک فضای ارباب است که نمیتواند دوام داشته باشد و قطعاً عمری کمتر از

## مرگ بر سرمایه، مرگ بر امپریالیسم!

فضای تخدیر دوره "دموکراسی و بازار" خواهد داشت، چرا که همانطور که گفتم شرایط عینی‌ای که به این وضعیت فکری جدید انجامیده است خود غیر تاریخی است. در واقع این وضعیت فشار، ایدئولوژیک دوره قبل را از روی انتقاد رادیکال به سرمایه داری معاصر و بطور مشخص از روی اندیشه انتقادی و سوسیالیستی طبقه کارگر بر میدارد. نمایش چهره کریه سرمایه داری و ظرفیتهای ضد انسانی دموکراسی بورژوازی و ناسیونالیسم توازن قوای فکری چندساله اخیر را به نفع انتقاد سوسیالیستی بهم میزند. دخالتگری زمخت بورژوازی غرب در سطح بین المللی کارگر غربی را متوجه دنیا میکند و از لاک خودش بیرون میاورد. کارگر جهان سوم پادروایی لیبرالیسم دلخوش به

## جنگ و رسانه‌های غربی

غرب، و ورشکستگی ناسیونالیسم و منهد در صحنه سیاسی را در بحران و جنگ خلیج بار دیگر به روشنی تجربه کرده است. کارگر کشورهای بلوک شرق، در متن مشقات اقتصادی که چرخش بسوی بازار به او تحمیل کرده است، از فشار تبلیغات سیاسی بورژوازی غرب رها تر میشود و امکان نگرشی مستقل تر به موقعیت خود را پیدا میکند. علائم همه این روندها فی‌الحال قابل مشاهده است. دهه نود، همانطور که قبلا هم پیش بینی کردیم، دهه توهمات نیست، دهه واقعیات و جدال بر سر واقعیات است. قدرتنمایی آمریکا در منطقه بیش از آنکه بتواند قالب فکری جدیدی به دنیا تحمیل کند، فضای فکری توهم آلود متناظر با دوره سقوط بلوک شرق را میسکند.

یک نکته مورد بحث و انتقاد در حاشیه جنگ، عملکرد رسانه‌ها و ژورنالیسم غرب در رابطه با این جنگ بوده است. خود رسانه‌ها از وجود سانسور و کنترل پنتاگون و غیره شکوه میکنند. تا چه حد میتوان عملکرد ژورنالیسم غربی را با مساله سانسور توضیح داد؟ بطور کلی در پرتو رویدادهای اخیر چه ارزیابی ای میتوان از جایگاه و نقش اجتماعی ژورنالیسم معاصر و ایده بیطرفی و ابزکتیو بودن آن بدست داد؟

### حمیه تلوایی:

عملکرد رسانه‌ها و مطبوعات غربی در رابطه با جنگ خلیج مانند خود این جنگ، کثیف و بیشرمانه بود. آنها بی کم و کاست مانند زائده نظامی دولتهایشان عمل کردند و در شکل دادن به افکار عمومی در جهت که پنتاگون مقدر کرده بود سنگ تمام گذاشتند. از همان روز آغاز بحران خلیج تکنولوژی عظیم خبررسانی غرب در جهت تحریف واقعیات و توجه سیاست میلیتاریستی آمریکا و موثقیتهایش به خدمت گرفته شد. محاصره اقتصادی عراق و درمضیقه غذایی و دارویی قرارداد میلیونها نفر کودک و زن و مرد و پیر و جوان که جز عراقی بودن گناهی نداشتند، آواره و از هستی ساقط کردن دهها هزار کارگر و زحمتکش فلسطینی، مصری و ایرانی و فیلیپینی که تا قبل از بحران و جنگ در

فریاد اعتراض، بلکه به سختی میتواند حتی یک زمزمه انتقادی سراغ کند. در عوض تعصبات ناسیونالیستی و عظمت طلبانه، تبلیغات راسیستی ضد عرب، اروپا محوری و مادون انسان شمردن غیر غربیها، بیداد می کند. آنچه یکسره غایب است، بیطرفی و ابزکتیو بودن و انعکاس واقعیات است.

یکصدم تبلیغات و جنجالی که مثلا رساله های غربی بر سر گروگان گیری غربیها بوسه عراق براه انداختند، درمورد دستگیری و زندانی کردن بهدلیل و بی محاکمه دانشجویان عراقی مقیم انگلیس بوسه دولت این کشور نگفتند و نوشتند. در مورد کشتن کودکان نوزاد در بیمارستانهای کویت بوسه سربازان عراقی (خبری که بعدا معلوم شد ساختگی بوده است)، جنجال براه می اندازند، اما در مورد اعتراف پرستاری که بدست خود هیجده سرباز مجروح عراقی را با قطع سرم و تزریق آمپول هوا کشته است، سکوت میکنند و از کنارش می گذرند. فرود آمدن یک یک موشکهای اسکاد بر شهرهای اسرائیل و عربستان با آب و تاب گزارش میشود و مبنای گفتارها و تفسیرهای متعدد قرار میگیرد، اما جنایت عظیم تر آمریکا و متحدانش در بمباران هرروزه شهرهای عراق، که تنها یک مورد آن به کشتار صدها انسان بیگناه در یک پناهگاه منجر شد، به سکوت برگزار میشود و حتی بر اساس گزارشهای رسمی دولتی و سخنگویان پنتاگون، بعنوان نمونه های درخشانی از کارآئی ارتش آمریکا مورد مدح و تمجید رسانهها قرار میگیرد. این یک ژورنالیسم فاسد و سر سپرده است. ژورنالیسمی که باید آنرا شریک جرم جنایات جنگی دولت آمریکا و موثقیتهایش در جنگ خلیج بحساب آورد.

خلیج در عراق و کویت مشغول کار و زندگی بودند، فرو ریختن بیوقفه و شبانه روزی میلیونها تن بمب بر سر مردم شهرهای مختلف عراق، و به آتش کشیدن تاسیسات غیر نظامی و خانها و حتی پناهگاههای مردم، و بالاخره کشتار قریب به صد و پنجاه هزار سرباز و مردم غیرنظامی در حال فرار و عقب نشینی در دو روز آخر جنگ (اقدامی که مانند بمباران اتمی هیروشیما فاقد حتی هرگونه ضرورت نظامی بود)، اینها همه از جمله فجایعی است که در این جنگ کثیف اتفاق افتاد. هیچ انسان شریفی نمیتوانست شاهد این فجایع باشد و فریاد اعتراضش را بلند نکند. اما ظاهرا در دم و دستگاه عریض و طویل رسانه های غربی همه چیز یافت می شود جز یک جو شرافت و انسانیت. شما در تمامی گزارشها و اخبار و تفسیرهای رادیویی و تلویزیونی و مطبوعاتی غرب در رابطه باجنگ، نه تنها

اما علت این امر چیست؟ این نوع عملکرد رسانه های جمعی در دموکراسی های غرب را بطور باید توضیح داد؟ شاید گفته شود که اساسا توقع و انتظاری جز این از رسانه های جمعی غرب نمی شد داشت. در دموکراسی بورژوازی ژورنالیسم نیز مانند سایر نهادهای اجتماعی در تحلیل لهایی به طبقه حاکم خدمت می کند. و این حکم بویژه در شرایط جنگی که تب ناسیونالیسم و مبین پرستی و حمایت از دولت خودی جامعه را فرا میگیرد بیش از همیشه صادق است.

بنابراین انتظار اینکه رسانه‌ها در جنگ خلیج بیطرف و منعکس‌کننده واقعیات باشند اصولاً توهم خوش‌خیالانه‌ای بیش نیست.

این البته یک واقعیت است. واقعیتی که بخصوص باید به کسانی که بعد از تحولات شوروی و پیروزی ایدئولوژیک سرمایه‌داری بازار آزاد، به دموکراسی بورژوازی دلبسته بودند یادآوری کرد. از این نقطه نظر جنگ خلیج بسیار افشاگر و توهم‌زداست. اما تنها با تاکید بر این حکم پایه‌ای نمی‌توان همه مساله را توضیح داد. در همین کشورهای غربی ما در دهه شصت، در جریان جنگ ویتنام و یا مثلاً قضیه واترگیت شاهد شکل‌گیری یک جریان معترض انتقادی در ژورنالیسم غربی بودیم که در بسیاری موارد در مقابل تبلیغات رسمی دولتی می‌ایستاد و نسبتاً مستقل عمل می‌کرد. سؤال آنست که چرا در جریان جنگ خلیج اثری از این گرایش انتقادی و اعتراضی در رسانه‌ها و ژورنالیسم غربی بچشم نمی‌خورد؟ آیا علت را باید در سانسور مطبوعات و رادیو تلویزیونها در دوره جنگ جستجو کرد؟ به نظر من این هنوز مساله را توضیح نمی‌دهد. البته از همان آغاز بحران خلیج سانسور شدید و بیسابقه‌ای از جانب دولت‌ها به مطبوعات و رسانه‌ها اعمال شد. شکست در جنگ ویتنام، پنتاگون و استراتژیستهای نظامی آمریکا را باین نتیجه رسانده بود که بدون جلب افکار عمومی در کشور خود نمیتوان در جنگی پیروز شد. بنابراین از همان آغاز بحران بر مبنای یک سیاست از پیش طرح‌ریزی شده، رسانه‌های جمعی را برای شکل دادن به افکار عمومی تحت کنترل و سانسور اکید قرار دادند. اما حتی همین اعمال سانسور و محدودیت نیز مورد اعتراض کسی قرار نگرفت. ژورنالیسم غربی سانسور را پذیرفت و بعنوان یک ضرورت دوران جنگ به آن گردن گذاشت. ظاهراً آنها نیز با این نظر پنتاگون و استراتژیستهای نظامی که "دولت آمریکا جنگ ویتنام را در اتاق نشیمن آمریکاییها باخت" توافق کامل داشتند، خود را در این مورد گناهکار حس می‌کردند و حالا می‌خواستند با تبعیت کامل از محدودیت‌های دولتی جبران مافات کنند. مساله اصلی نه

سانسور بلکه تلقی‌ای است که خود ژورنالیسم غرب از وظایف و نقش اجتماعی‌اش دارد.

اگر در طی جنگ مطبوعات و رادیو تلویزیونها به تریبون ژنرالها و سخنگویان پنتاگون تبدیل شدند و نقش آنها تا حد اشاعه تبلیغات و نظرات رسمی دولتهاشان در مورد جنگ و تحولات آن تنزل پیدا کرد، این بیش از آنکه نتیجه تحمل سانسور باشد، بخاطر آن بود که خود ژورنالیستها و دست‌اندرکاران رسانه‌های جمعی اصولاً نقشی بیش از این برای خود قائل نبودند.

واقعیت آنست که سنت و رگه اعتراضی و انتقادی در ژورنالیسم غرب مدت‌ها قبل از شروع بحران خلیج به پایان رسیده بود. دو دهه حاکمیت راست‌ترین جریان‌های بورژوازی در آمریکا و اروپا، که ریگان‌یسم و تاجریسم نمایندگان بارز آن بودند، شرایط اجتماعی غرب را به کلی دگرگون کرده و کلا جامعه را در تمام سطوح فکری و فرهنگی و سیاسی به راست سوق داده بود. فروپاشی شوروی و بلوک شرق نیز تحول

## جنگ و جناح‌های رژیم اسلامی

**بحران و جنگ اخیر در خاورمیانه چه تاثیری در اوضاع سیاسی داخل ایران دارد و مشخصاً گرایش‌های درونی هیات حاکمه، و بویژه جریان حزب الله را در چه موقعیتی قرار میدهد؟**

**ناصر جاوید:**

گرایش حزب الهی در رژیم اسلامی بنحوی بازنده اصلی حاشیه جنگ بود. با بروز بحران، حزب الله تقریباً یکشنبه "خلع شعار" شد. "جهان اسلام در برابر آمریکا"، "آزادی قدس"، "آزادی سرزمین حجاز"، اینها همه صاحب دیگری پیدا کرد. دعاوی و شعارهای حزب الله همه ضمیمه‌ای بر ناسیونالیسم عربی شد و هر گونه معنائی را جز تمکین به ناسیونالیسم عربی و پذیرش رهبری سیاسی آن از دست داد. از لحاظ

مهمی بود که این برتری افکار و آرای محافظه کارانه و ارتجاعی را تثبیت و تحکیم می‌کرد. نه تنها عملکرد رسانه‌ها بلکه اصولاً کل جنگ خلیج محصول چنین شرایطی بود. ریگان‌یسم و تاجریسم، در کنار رشد تکنولوژی تسلیحاتی و ابزارهای فوق مدرن آدمکش‌اش، ژورنالیسم مطیع و سربراه خود را نیز پرورده بود و آنها را بعنوان اجزاء مکمل هم با موفقیت در این جنگ کثیف بکار گرفت. ژورنالیسمی که از هر نوع ارزش و عقیده و آرمان پیشرو و انسانی و برابری طلبانه خالی شده و اروپا محوری، تعصبات و تنگ نظریهای ناسیونالیستی و کلا معیارها و نقطه نظرات ارتجاعی بورژوازی بر آن حاکم شده است. این ژورنالیسم محصول پیشروها و تفوق سیاسی و ایدئولوژیک سرمایه‌داری بازار آزاد در دهه اخیر و مدافع این ایدئولوژی و سیاست‌هاست. عملکرد رسانه‌های غربی در طی بحران خلیج در واقع ادامه نقشی بود که از مدت‌ها قبل در مدح و ستایش سرمایه‌داری مدل غرب و دموکراسی بورژوازی به‌عهده گرفته بودند. جنگ خلیج تنها چهره کریه و ریاکار این نوع ژورنالیسم را بیش از پیش به نمایش گذاشت.

عملی نیز حزب الله در برابر انتخابی نامطلوب قرار گرفت. حزب الله در موقعیتی قرار گرفت که باید به رهبری سیاسی یک دشمن قدیمی تن میداد. افعال و بیطرفی تنهامیتوانست اینرا نشان دهد که حزب الله بر مبنای دعاوی و شعارهای خودش نیز دیگر جریانی پرت، قلبی و از نظر سیاسی مرده است. ظاهراً حزب الله در ایران نه اراده و نه توان ابراز وجود جدی نداشت. بحران و جنگ اخیر اینرا اثبات کرد که حزب الله از نظر سیاسی کاملاً قالب تهی کرده است.

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

حزب‌الله در ایران دیگر چیزی بیش از بقایای تشکیلاتی پان اسلامیسیم نیست. حضور و موجودیت این جریان از این ببعد حداکثر میتواند ایفای نقش یک گروه فشار در درون رژیم اسلامی باشد.

حال با کسب نفوذ در تحولات داخلی عراق دوباره بدست آورد. اما هشدار بوش به هیئت حاکمه ایران مبنی بر اینکه به فکر بهره

برداری از آشوبهای عراق نباشند، به رژیم اسلامی تاکید کرد که نتایج حاصله از جنگ را نمیتوان به آسانی به هم زد.

## عظمت طلبی ایرانی بیدار میشود

**حمله آمریکا به عراق و تخریب بنیه اقتصادی و نظامی این کشور از جمله ناسیونالیسم و عظمت طلبی ایرانی را هم امیدوار کرده است. احزاب سیاسی بورژوازی ایران چه در قدرت و چه در اپوزیسیون، از نقش آینده ایران بعنوان یک ابرقدرت منطقه‌ای و یک محور تریبای امنیتی آتی در منطقه سخن میگویند. موضع حزب کمونیست ایران در مورد این مساله چیست؟**

### ابراج آذرین:

برتری جوئی ملی یک رکن ناسیونالیسم ایرانی است و بسیار کهنه و ریشه دار است. تبلیغات حکومتها و طبقات حاکم ایران در طول تاریخ با جعل افتخارات ملی چنان این موهومات را حقایق تاریخی جلوه داده‌اند که انکار بر مبنای یک تصادف فوق استثنائی، در میان همه اقوام و مللی که در این قسمت کره زمین زندگی میکنند، در میان ترک و افغان و عرب، تنها "ایرانی" تافته جدا بافته است. برای یک ایرانی ساده دل این نکته که در تبلیغات ناسیونالیستی سایر کشورهای منطقه نیز، طبعاً با هدفی مشابه، تمام تاریخ و تمام جهان از زاویه تمدن بین النهرین و نیل، یا قدمت آشور و کلدیه، و یا عظمت امپراتوری اعراب و امپراتوری عثمانی تفسیر میشود میتواند یک کشف شوک آور باشد.

تبدیل شدن ایران به یک ابر قدرت منطقه ای و عامل تامين "امنیت منطقه"، بیان امروزی همین آرزوی کهنه ناسیونالیستی است. این موقعیتی است که قریب بیست سال پیش، در دهه هفتاد این قرن، حکومت پهلوی برای مدتی پیدا کرد. کسب این موقعیت برای ایران به یمن دکترین لیکسون ممکن شد، که پس از تجربه ویتنام در بی آن بود تا نقش ژاندارمی منطقه‌های بحرانی در جهان را به یک دولت هم پیمان یا دست نشانده آمریکا در همان منطقه بسپارد. البته سیاست دولت بوش برای دلای پس از جنگ سرد اکنون دیگر تکرار دکترین لیکسون نیست. اما این مانع نمیشود تا ناسیونالیسم ایرانی با چشم بستن

بر خلاف حزب‌الله، جناح "میانه رو" شروع بحران را یک فرصت مغتنم دید. اشغال کویت در نظر این جناح "انتهایی بر این بود که غرب، و مشخصاً آمریکا، دولت ایران را بعنوان رکن تامين ثبات در منطقه جدی نگرفته‌اند و حال باید جبران مافات کنند. ادعای سنتی ناسیونالیسم ایران، یعنی ایران رکن و پاسدار امنیت منطقه، یکبار دیگر از آرشیه‌های وزارت خارجه درآورده شد و در دستور یک دیپلماسی فعال گذاشته شد. این ادعا خریداری نیافت. به دلیل روشن: دولت آمریکا بحران را چیز دیگر تعریف کرد. قرار بود که برتری آمریکا در مقیاسی جهانی، بطور مستقیم و با قدرت نظامی نشان داده شود. برای این هدف به بازی گرفتن واسطه منطقه‌ای نقض غرض بود. گذشته از این، "میانه روها" نیز آن کسانی نبودند که شایسته ایفای چنین نقشی شناخته شوند.

فرصت طلبی ناسیونالیستهای اسلامی خیلی سریع کوتاه بینی از کار در آمد. اینها کالایشان را درست وقتی به بازار آوردند که خریداری نداشت. اتفاقاً در قبال این بحران منافع خود این جناح تا حدود زیادی ایجاب میکرد که بجای ساکت کردن حزب الله به او اجازه بازی بدهند. بجای دویدن به طرف آمریکا خود را نزدیکتر به ناسیونالیسم عرب نشان بدهند. این لااقل راهی بود که حضرات بتوانند از طریق آن برای خود قیمتی دست و پا کنند. اما اتخاذ چنین موضعی قماری خیلی بزرگتر از قد و قواره امثال هاشمی رفسنجانی بود. بدین ترتیب، هیئت حاکمه ایران در دل بحران اخیر هیبت کاسب مفلوک و دوره‌گردی را پیدا کرد که جز خرده فروشی به دو طرف دعوا نقش دیگری ندارد.

خاتمه جنگ و پیروزی آمریکا این نقش را برای رژیم اسلامی تثبیت میکند. رژیم اسلامی عجالتاً باید به درجه دوم شدن موقعیتش در منطقه تن بدهد. پس از خاتمه جنگ، رژیم اسلامی ظاهراً سعی میکند که آنچه را در دوره جنگ از دست داد

بر تمام محرکه‌ها و عواقب سیاسی و اقتصادی این جنگ، که دامنه آنها بسیار فراتر از خلیج فارس و خاورمیانه می‌رود، دوباره کوردلانته دربی یافتن نقش برتر منطقه‌ای برای ایران باشد. اینکه تمام شاخه‌های ناسیونالیسم ایرانی، چه در اپوزیسیون و چه در حکومت، از سلطنت طلبان گرفته تا میلیون و اسلامی‌ها، در این مورد موضع یکسانی دارند گویای اشتراک اهداف و منافع پایه‌ای این جریان‌هاست. بر زمینه مصائب عظیمی که یورش نظامی آمریکا آفریده است، جوهر ضد انسانی این مشی سیاسی ناسیونالیستی از همیشه آشکارتر است. بزرگترین لشکرکشی‌ای که تاریخ به یاد دارد جلوی چشمان ما صورت می‌گیرد، یک مملکت را به تمامی از راه هوا میکوبند، دهها هزار انسان بیگناه انکار که به بلای آسمانی دچار شده باشند بیدفاع در بیمارانه جان می‌بازند، سربازان یک ارتش منزهم آشکارا سلاخی میشوند، و از لابلای همه اینها ناسیونالیسم ایرانی تنها این را میبیند و مشعوف هم میشود که انکار "فرصت مناسبی" برای ایفای نقش ابرقدرتی ایران در منطقه فراهم آمده است.

بدل شدن ایران به ابر قدرت منطقه، چنانچه بر فرض تحقق پذیرد، فوائد سیاسی و اقتصادی روشنی برای بورژوازی و سرمایه داری ایران دارد. ترتیبات سیاسی و اقتصادی منطقه بسود بورژوازی و حکومت ایران تنظیم خواهد شد. از لحاظ اقتصادی حکومت ایران کنترل بیشتری بر نحوه استفاده کشورهای منطقه از راه‌های آبی و منابع طبیعی، بخصوص نفت، خواهد

بقیه در صفحه ۱۱



# فعالیت در میان کارگران در خارج کشور

اصغر کریمی

در دوره اخیر فعالیت حزب در خارج کشور، قدمهای اساسا تازه‌ای در زمینه کار در میان طبقه کارگر برداشته شده. بخشی از نیروهای حزب، بخش نه چندان زیادی، به فعالیتی هدفمند و جدی تر در این عرصه پرداخته‌اند و اینجا و آنجا رفقای دیگری مقدمات کارهایی را شروع میکنند. دامنه و عمق این فعالیت‌ها در کشورهای مختلف یکسان نیست و اشکال بسیار متنوعی را دربر میگیرد. شرکت در آکسیونهای کارگری، تظاهرات، پیکت‌ها و جشنهای کارگری، جمع‌آوری کمک مالی برای اعتصابات، ارسال پیام پشتیبانی، حضور در تجمعات، محافل و پاتوقهای کارگری، گذاشتن میز در جشنهای کارگری، و ایجاد آشنائی با کارگران، انتشار بولتن‌های خبری در مورد کارگران ایران و ارسال منظم آن برای اتحادیه‌ها و فعالین کارگری، نوشتن مطلب در مورد اوضاع ایران و جنبش کارگری ایران در مطبوعات اتحادیه‌ای، سخنرانی در آکسیونها و اجتماعات کارگری، توزیع نشریه کارگر امروز، ایجاد کمیته یا کمیون همبستگی کارگری، مصاحبه با فعالین کارگری و... اشکال مختلف فعالیت در این عرصه را تشکیل میدهند.

کار در میان کارگران و جلب همبستگی کارگری در چند سال گذشته همواره مشغله بخشی از نیروهای حزب در خارج کشور بوده است. اما فعالیتهای گذشته بسیار پراکنده و مقطعی بوده، سیاست روشنی بر آن ناظر نبوده و بهمین دلیل به نتایج چشمگیر و قابل توجهی نیز منجر نشده است. آنچه ویژگی فعالیت در دوره اخیر را تشکیل میدهد هدفمند بودن آن، با برنامه و سازمان یافته بودن نسبی آن و سبک تازه آن میباشد. این

فعاليتها هنوز گسترده نیست و بخش کوچکی از نیروهای حزب را بخود معطوف کرده است با اینهمه تاکنون نتایج بسیار محسوسی بهار آورده و تجارب ارزنده‌ای را بدنبال داشته است.

تاکنون ذهنیت پیشرو رایج در افکار عمومی کشورهای اروپائی و آمریکا در مورد ایران به شاه و خمینی، اسلام، زندان و شکنجه و اعدام، منهب، جنگ، بیحقوقی زن، در یک کلام یک جامعه عقب مانده و مذهبی محدود بوده است. تاریخ ایران و واقعیات امروزه ایران در ذهنیت کارگران و مردم اروپا و آمریکا، همان روایت آیت‌اللهی است و یا تصویری که اپوزیسیون غیر کارگری جمهوری اسلامی به آنها داده است که علیرغم تنوع و گوناگونی در این طیف و علیرغم موضعگیریهایی سیاسی متفاوت اما یک چیز در میان آنها مشترک است؛ سکوت در برابر کارگران ایران و امیال و آرزوها و مطالبات و مبارزات این طبقه. زندانی سیاسی، اعدام، سرکوب، کردستان، ستم به زن و جنگ سوژه‌هایی بوده است که هرساله حول آنها دهها هزار اعلامیه تکثیر و پخش شده و یا دهها آکسیون حول آنها برافراشته است. اینها هرچند بجای خود هرکدام ارزش خاص خود را داشته است اما هیچکدام به اکثریت عظیم تولید کننده در ایران، طبقه کارگر، مربوط نبوده است و اگر در مواردی نادر به کارگران ایران پرداخته شده تصویری بسیار عقب افتاده و روستائی به خواننده القا کرده است. این تصویر ذهنیت حاکم در مورد ایران را تشکیل میدهد. با اینهمه جزوات، اعلامیه‌های متعدد، بولتن‌های خبری و سایر تله‌نگات کتبی و شفاهی که توسط بخشی از نیروهای حزب در چند ماه اخیر در مورد طبقه کارگر ایران، مطالبات و مبارزاتش و اعدام و دستگیری فعالینش، در میان

کارگران و افکار عمومی توزیع گردیده بخش هائی از پیشروان کارگری و افکار عمومی پیشرو را متوجه حقایق دیگری، تصویر و تاریخ دیگری از ایران نموده است. مراجعات مکرر به اتحادیه‌ها و فعالین کارگری برای جلب حمایت آنان از کارگران ایران، محکوم کردن جمهوری اسلامی بخاطر دستگیری و اعدام کارگران، قانون کار و... هرچند در همه موارد به نتیجه عملی منجر نشده با اینحال ذهنیت تازه‌ای را بتدریج در آنها شکل میدهد. دهها اتحادیه بزرگ و کوچک در آمریکا، کانادا، انگلیس، فرانسه، آلمان، اطریش، سوئد و دانمارک قطعنامه‌هایی اعتراضی صادر کرده و در مواردی مقالات و اخبار کارگری را برای آنها ارسال شده در نشریات شان به چاپ رسانده‌اند.

این فعالیتهای در آمریکا و انگلیس عمق و دامنه بیشتری دارد. کمیون همبستگی کارگران ایران و انگلیس حمایت بسیاری از فعالین کارگری این کشور را به‌مراه دارد و آشنائی رفقا با تعداد قابل توجهی از رهبران اتحادیه‌ها و کارگران رادیکال زمینه‌های فعالیت بسیار گسترده‌تری را ایجاد نموده است. در آمریکا نیز در کمیته همبستگی کارگران ایران و آمریکا تعدادی از فعالین سرشناس جنبش کارگری آمریکا عضویت دارند، دهها نفر از فعالین با نفوذ کارگری رسماً آثرا حمایت میکنند و بولتن خبری این کمیته که عمدتا اخبار و مسائل کارگری ایران را منعکس میکند در هزار نسخه تکثیر و برای اتحادیه‌ها و رهبران کارگری بطور منظم ارسال میگردد. زمینه این روابط قبل از هرچیز در شرکت رفقا در مبارزات کارگری در این کشور و تلاش بیدریغ در حمایت از این مبارزات شکل گرفته است. فعالیت رفقای انگلیس و آمریکا در میان کارگران الکوی است که باید از جانب سایر رفقا در کشورهای دیگر بدست گرفته شود.

در اینجا اشاره به جنبه دیگری از این فعالیت نیز لازم است و آن تاثیر این وجه از فعالیت در میان پناهندگان ایرانی است. پناهندگانی که بخش قابل توجهی از آنان خود از زمره همین طبقه کارگرند. تلاش برای بسیج پناهندگان ایرانی در دفاع از مبارزات کارگری در کشور محل اقامت

آنان و نیز دفاع از جنبش کارگری ایران یک محور مهم سیاست حزب در میان پناهندگان و مهاجرین ایرانی را تشکیل میدهد. در این زمینه نیز تلاشهای مثبتی در برخی کشورها صورت گرفته است. در آلمان، سوئد، ترکیه، آمریکا و تعدادی از شوراهای و تشکلهای پناهندگی در دفاع از مطالبات کارگران ایران یا کارگران کشورهای دیگر قطعنامه صادر کرده، پیام های پشتیبانی ارسال داشته، به جمع آوری کمک مالی پرداخته و یا سستیما در آکسیونهای کارگری و یا در جلسات سخنرانی به منظور آشنائی با این مبارزات شرکت کرده اند.

بی شک این تلاشها را هنوز باید به عنوان قدمهایی اولیه در این زمینه تلقی نمود. هنوز آغاز راه است، عرصه تازه ای که در آن با گذاشته میشود و دنیائی کار که در مقابل فعالین این حرکت وجود دارد. با اینهمه همین فعالیت نیز بعضا از اشکالات و محدودیتهائی برخوردار است که در صورت رفع آنها انرژی به مراتب بیشتری برای آن آزاد میشود و نتایج بسیار موثرتری به بار میآورد. در اینجا به برخی از این اشکالات پرداخته خواهد شد اما قبل از آن توضیح یک مسئله ضروری است.

واقعیت اینست تنها بخش کوچکی از فعالین حزب عملا به این عرصه هویتی و مهم پرداخته اند. اما پراتیک کمونیستی و کارگری را کسی میتواند انجام دهد که درد کارگری داشته باشد. با هیچ ابلاغیه و دستورالعملی نمیتوان کسی را فعال آن نمود. اینکه چرا در چند سال گذشته چنین فعالیتی مسئله اصلی تشکیلات خارج نیوده و اکنون نیز بخش بسیار کوچکی از این تشکیلات به آن روی آورده را قبل از هر چیزی باید در وجود گرایشات غیر کارگری دانست که در سطوح مختلف این تشکیلات و به انحاء مختلف در برابر گرایش کارگری و سوسیالیستی مقاومت کرده اند. با اینحال امروز توجه بیشتری به این عرصه را شاهدیم. امروز فعالینی وجود دارند که مسئله اصلی شان کارگری است و محیط اصلی فعالیتشان را محیط های کارگری

تشکیل میدهد و به یمن فعالیت همین فعالین تا کنون نتایج بسیار مثبتی حاصل شده و تجارب گرانبهایی بدست آمده است. این جهت گیری علیرغم فاصله ای که تا تثبیت شدن این شیوه فعالیت وجود دارد ولی دستاورد بازگشت ناپذیر است. پیشروی در این عرصه امروز برای تعداد قابل توجهی از رفقا یک شاخص مهم موفقیت در پراتیک سیاسی حزب در خارج کشور محسوب میشود و طبعاً بدرجه ای که این کار به سنتی جاافتاده تبدیل شود و به روابط گستردهتری با محافل کارگری منجر گردد امر بدختن بسیاری از رفقای علاقمند دیگر به این عرصه را نیز تسهیل خواهد کرد. اما لازمه این قبل از هر چیز اسجام و روشن بینی بیشتر فعالین فعلی این جریان و پیشرفت عملی آنها در این عرصه و الگوهای جا افتادهتری از این پراتیک است.

اما برخی از ضعفهای فعالیت تاکنونی:  
۱ - ضعف اساسی موجود در فعالیت بخشی از رفقا در این عرصه، قرار نداشتن تمام افق سوسیالیستی در برابر آنهاست. طبعاً حتی روی آوری صرف به کارگر خود دستاورد مهمی برای ماست. با اینحال صرف روی آوری و ارتباط گیری، صرف شرکت در مبارزات و حمایت از آنها و صرف جلب همبستگی کارگری هرچند بسیار ضروری اما کافی نیست. این هنوز چهار چوبی نیست که مرز ما را با جریانات غیر کمونیستی مشخص میکند. ما در عین حال میخواهیم بر حیات سیاسی و مبارزاتی کارگران این کشورها تاثیر بگذاریم و سیاستهای سوسیالیستی را در سازمانها و حرکتهای کارگری تقویت کنیم. این برای فعالین سوسیالیست کارگری حیاتی و در عین حال کاملاً شدنی است. اما اینجا دیگر نه به مثابه کمونیست ایرانی که مقدمات در جهت تحقق انقلاب کارگری در ایران فعالیت میکند بلکه اساساً بعنوان یک انترناسیونالیست که تقویت جنبش کارگری و کمونیستی در کشور محل فعالیت خود را نیز امر خود میداند باید ظاهر شد. بعنوان یک کمونیست در کشورهای دیگر نمیتوان همه فعالیت را به کارگران ایران

مغطوف کرد. میتوان به ایجاد محافل کارگران کمونیست در آلمان، آمریکا و یا اطریش همت گماشت و یا بعنوان یک فعال اتحادیه ای رادیکال و کارگری ترکیه و انگلیس ظاهر شد. جو هیل مثال بارز چنین کارگر مهاجری بود که میتواند الگویی برای کمونیست های مهاجر امروز ایرانی باشد.

بی شک لازمه این تاثیرگذاری قبل از هر چیزی تحکیم روابط کنولی و گسترش آنهاست. بدون ارتباط با محافل و مجامع کارگری، بدون شرکت در و حمایت از مبارزات کارگری و بدون جلب اعتماد در این روابط دامنه تاثیرگذاری بر آنها بسیار محدود خواهد بود. با اینحال آنجا که از روابط قدیمی تر و نسبتاً مستحکم نیز برخورداریم به این وجه مسئله بهای لازم داده نشده است. بحران کنولی جنبش سندیکائی تنها با اتخاذ سیاستهای رادیکال و سوسیالیستی و طرح اثباتی چنین انترناتیوی میتواند به یک جنبش قوی مطالباتی و سازمانهای قدرتمند کارگری تحول یابد، با طرح شعارهای مطالباتی سراسری و دامن زدن به جنبش مجمع عمومی. چنین تحولی خود در گرو رشد و تقویت گرایش سوسیالیستی در درون جنبش طبقه کارگر است. نقش فعالین سوسیالیست این جنبش دیگر واضح است. اما جنبه دیگر این مسئله بحث آگاهانه حول کمونیسم، بحث در مورد تجربه شوروی، تحولات اروپای شرقی و سایر مسائل اساسی ایندوره کمونیسم با کارگران رادیکال است. در این زمینه فعالین حزب بویژه دست بازتری دارند. محافل بشمارای از کارگرانی که خود را سوسیالیست و کمونیست میدانند در کشورهای مختلف وجود دارند. اینها تجربه شکست انواع سوسیالیسم غیر کارگری را در شوروی، اروپای شرقی و چین، پشت سر دارند اما تبیین روشنی از اوضاع ندارند. تبیین کمونیسم کارگری از این مسائل میتواند نقش مهمی در روشن کردن اذهان کارگران پیشرو و اسجام یافتن جریان کمونیستی درون طبقه کارگر ایفا کند. بنابراین باید پیگیرانه با کارگران سوسیالیست و فعالین جنبش کارگری به بحث حول اینها پرداخت. آثار ترجمه شده

## زنده باد همبستگی بین المللی کارگران!

در این زمینه را در اختیار آنان قرار داد. سمینارهایی را با کارگران سوسیالیست، هر چند در شرایط کنونی محدود هم باشد، برگزار کرد و به ترجمه سایر آثار کمونیسم کارگری و توزیع منظم آن در میان محافل سوسیالیست کارگری همت گماشت. برای کسی که خود را فعال این جریان میداند زمینه برای ترویج کمونیسم و سوق دادن کارگران سوسیالیست به ادبیات کمونیسم کارگری بسیار مساعد است. "هیچ زمان چون امروز شرایط برای تبدیل کمونیسم به یک نیروی مادی اجتماعی فراهم نبوده است" و اینکار چنانچه فعالین کمونیست، امروز بذل توجه بیشتری بدان داشته باشند در آیندهای نزدیک ابعادی بسیار گسترده خواهد یافت.

۲ - اشکال دیگر در این زمینه را در ناپیکیری در تداوم ارتباط با کارگران باید توضیح داد. در موارد بسیاری مشاهده میشود که رفقا برای "برگزاری یک آکسیون کارگری"، فی‌المثل اول مه، حمایت از یک اعتصاب و... انرژی زیادی صرف کرده و به نتایج مثبتی نیز میرسند. چنین فعالیتی زمینه مساعدی را برای تحکیم و تداوم رابطه با بخشی از

بقیه از صفحه ۸

داشت. از لحاظ سیاسی گرایش ضد دمکراتیک و ضد سوسیالیستی خود را در سایر کشورهای منطقه بسط خواهد داد و سیاستهای خود را بر رژیمهای منطقه دیکته خواهد کرد. چنین تحولاتی حکومت ایران را در داخل کشور هم تحکیم خواهد کرد. همه اینها موقعیت بورژوازی و حکومت ایران را در صحنه جهانی داد و ستد سیاست و اقتصاد نیز تقویت میکند. ثبات و امنیتی که قرار است ایران حافظ آن باشد چیزی جز حفاظت از موقعیت ممتاز سرمایه‌داری ایران در منطقه نیست. و اگر امروز ناسیونالیستهای ایران یکصدا داوطلبی ایران را برای تامین "ثبات و امنیت منطقه" اعلام میکنند معنائش اینست که، با شکست نظامی و فروپاشی اقتصادی عراق در جنگ اخیر، اکنون ایران را واجد آن نیرو میبینند که بتواند نقش ممتازی را برای خود به کشورها و دولت‌های منطقه تحمیل کند. این نقشی است که ایفای آن برای ایران البته تنها با جلب رضایت قدرتهای جهانی امپریالیستی و در چهارچوب نظم جهانی و منطقه‌ای مورد نظر آنها امکان

کمونیست شماره ۶۱ - اردیبهشت ماه ۷۰

دست اندرکاران این مبارزه فراهم میکند اما با ختم مبارزه معین اقدامی برای استفاده از شرایط مساعدی که به یمن این تلاش حاصل شده صورت نمیگیرد و تا شرکت در یک آکسیون دیگر همه چیز فراموش میگردد. در حالیکه شرکت در هر تک آکسیونی باید امر روتین کردن ارتباط با کارگران پیشرو و گسترش دادن این روابط را تسهیل کند و معمولا در هرکدام از این آکسیونها فعالینی بوده‌اند که خود قدم جلو گذاشته‌اند اما از آنجا که اهداف محدودی از شرکت در آکسیون وجود داشته است تلاشی در ادامه آن و یا با هدفی محدود صورت گرفته و لاجرم به نتیجه موافقی منجر نگردیده است. بهررو به این آماتوریزم باید پایان داده شود.

۳ - و بالاخره همانطور که در ابتدای این نوشته گفته شد هنوز این عرصه از فعالیت کمونیستی از سنت‌های جاافتاده‌ای برخوردار نیست و بنابراین انتقال تجارب، روشهای تازه فعالیت و ابتکاراتی که در جاهای مختلف بکار گرفته میشود برای انسجام یافتن این گرایش و برای رفقای دیگر علاقمند به این عرصه اهمیت ویژه‌ای دارد. به این مسئله نیز آنچنانکه باید و

پذیر است، و در حال حاضر، همانطور که اشاره شد، نقشه‌های آنها چنین جایی را برای ایران قائل نمیشود.

اما مستقل از احتمال ناچیز سناریوی مورد نظر ناسیونالیستهای ایران، نفس تبلیغ این قبیل ایده‌های عظمت طلبانه بخاطر تاثیر مغربی که رواجشان برای جنبش کارگری و تمام جنبشهای اجتماعی پیشرو دارد باید محکوم شود. ناسیونالیسم یعنی پیچاندن منافع بورژوازی و سرمایه داری در قالب منافع عمومی همه طبقات و آحاد یک ملت. میهن پرستی و فخرفروشی ملی همیشه این وظیفه را داشته تا موقعیت تحقیر شده و فرودست کارگران را در داخل این میهن و ملت پنهان کند. ناسیونالیسم عظمت طلبانه ایرانی اکنون میکوشد تا "ایرقدرتی ایران در منطقه" را یک خواست غرورانگیز همه ایرانیان نشان دهد.

حزب کمونیست ایران با هرگونه برتری طلبی ایران در منطقه مخالف است و آنرا محکوم میکند. بعنوان یک پرنسیپ کمونیستی، ما خواهان برابری حقوق همه ملتها و مخالف هرگونه امتیاز ویژه برای یک کشور هستیم.

شاید از جانب رفقای دست اندر کار این عرصه توجه لازم نمیشود. منعکس کردن مواعی که بر سر راه وجود دارد، چگونگی غلبه بر آنها، گرایشهای مختلف درون جنبش کارگری و بویژه گرایش سوسیالیستی و مسائل مبتلا به آن و بسیاری چیزهای دیگر در این زمینه امروز از اهمیتی حیاتی برای توسعه و تعمیق این فعالیت برخوردار است. این نیز وظیفه عاجل طرفداران این خط مشی است.

بر ضعفهای فوق میتوان و باید سرعت غلبه کرد. آنچه مسلم است و فعالیت های تا کنونی بیانگر آنست شکل گیری نسل تازه‌ای از فعالین کمونیست در خارج کشور است که دارند در سرلشست طبقه کارگر دخیل میشوند. با اتکا به تجارب تاکنونی و با وجود فعالین حامل این تجارب زمینه برای گامهای بسیار بزرگتری آماده میشود. فعالین این جریان در اقلیت‌اند، هنوز انسجام لازم را نیافته‌اند و هنوز سنت‌های تثبیت شده‌ای ندارند با اینهمه افق بسیار روشنی را در مقابل خود دارند، افق یک انترناسیونال نو و اتحاد جهانی طبقه کارگر.

کارگران ایران، همچنان که کارگران سایر کشورهای منطقه، هیچ سودی در گسترش سلطه سیاسی و اقتصادی حکومت ایران در منطقه ندارند. پیشرفت ناسیونالیسم ایرانی به زیان حرکت سوسیالیستی طبقه کارگر در تمام منطقه، و از جمله در ایران، است. هرگونه ترتیبات سیاسی و اقتصادی در منطقه خلیج که تحت پوشش "تامین ثبات و امنیت منطقه" متضمن موقعیت ممتازی برای ایران باشد از نظر حزب کمونیست ایران مردود است. بنظر ما بهترین ضامن امنیت در منطقه تعاون و همکاری مردم منطقه است. این یعنی برابری حقوق همه ملتها و کشورها و اشتراک مردم در بهره برداری و برخورداری از امکانات طبیعی و جغرافیائی منطقه. هرگونه ترتیبات دیپلماتیک و سیاسی، در گذشته و آینده، که موقعیت برتری به ایران بدهد از نظر حزب کمونیست ایران اعتبار ندارد، و حکومت کارگری در نخستین روز استقرارش در ایران کلیه توافقات و معاهدات نابرابری را که حکومت‌های ایران منعقد کرده باشند، رسماً لغو خواهد کرد.

## حدود اختیارات و وظایف کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران تشکیلاتی پیش بینی شده در اساسنامه حزب نیست. مطابق اساسنامه سازماندهی این تشکیلات و تعیین حدود اختیارات و وظایف آن بر عهده کمیته مرکزی حزب است. با این قرار دفتر سیاسی حزب از جانب کمیته مرکزی این حدود اختیارات و وظایف را تعیین میکند.

۱ - کنفرانس تشکیلات خارج کشور سالانه بر گزار میشود. کنفرانس فوق العاده به خواست کمیته مرکزی حزب، کمیته خارج کشور و یا اکثریت اعضای تشکیلات خارج کشور تشکیل میشود.

۲ - کنفرانس خارج کشور میتواند:

- ۱- کمیته خارج کشور حزب را انتخاب نماید.
- ۲ - قطعنامهها و پیامهای مورد نظر خود را تصویب کند و انتشار دهد.
- تبصره: در صورت عدم انطباق این مصوبات با مواضع رسمی حزب، دفتر سیاسی علنا در مورد آنها اظهار نظر خواهد کرد. در هر حال کنفرانس حق انتشار مصوبات خود را دارد.
- ۳ - سیاستهای عملی و تشکیلاتی خود را به تصویب برساند.
- تبصره: در صورت عدم انطباق این سیاستها با مصوبات مرکزیت حزب، اصل بر اجرای مصوبات مرکزیت حزب است.

۳ - کمیته خارج کشور در چهارچوب اساسنامه، مصوبات کمیته مرکزی و کنفرانس خارج از کشور فعالیت تشکیلات حزب در خارج کشور را سازمان میدهد و هدایت میکند.

۴ - ک.خ.ک از حقوق اساسنامه ای کمیته های تشکیلاتی در معمول داشتن اقدامات انضباطی برخوردار است.

۵ - ک.خ.ک میتواند در محدوده سهمیه تعیین شده از طرف کمیته مرکزی اقدام به عضوگیری بنماید.

## اطلاعیه پایانی پلنوم نوزدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

پلنوم نوزدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران با شرکت اکثریت اعضا و مشاورین این کمیته در فوریه ۱۹۹۱ برگزار گردید.

پلنوم کار خود را با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت. بیاد جانباختگان راه سوسیالیسم آغاز کرد و بعد از تصویب آئیننامه برگزاری پلنوم، موضوعات در دستور را مورد بحث و بررسی قرار داد. دستور جلسه پلنوم عبارت بود از:

- جنگ در خاورمیانه
- گزارش دفتر سیاسی
- انتخابات

پلنوم در خاتمه کار خود رفقا ایرج آذرین، منصور حکمت، رضا مقدم و کورش مدرسی رابه عضویت دفتر سیاسی حزب انتخاب کرد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

فوریه ۱۹۹۱

## نگاهی به انتشارات جدید:



نشریه دنیای کارگران به ابتکار و به سردبیری مظفر محمدی عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست، انتشار خود را آغاز کرده است. اولین شماره دنیای کارگران همراه با ضمیمه ای بمناسبت اول ماه مه در فروردین ماه ۱۳۷۰ منتشر شده است. این نشریه برای توزیع در شهرهای کردستان ایران تهیه میشود.

\* شماره های ۷۶ - ۷۵ و ۷۷ نشریه پیام منتشر شد

از مطالب شماره ۷۶ - ۷۵ پیام:

- متن سخنرانی رحمان حسین زاده عضو کمیته مرکزی کومله بمناسبت ۲۶ بهمن روز کومله
- جنبش جهانی علیه جنگ خلیج را دست قدرتمند کارگران باید رهبری کند
- بالارفتن دستمزدها، دستاورد مبارزات کارگران است
- گزارشی از اعتراض کارگران کارخانه کفش زریبار سنندج
- ..... از مطالب شماره ۷۷ پیام:
- کمون الگوی حکومت کارگری است
- کارل مارکس
- گفتگو با شهید آواسیان درباره کارخانگی
- از برنامه کتابخانه کارگری، بررسی کتاب



# کمونیست

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

ماهانه منتشر می شود

آدرس

سر دبیر منصور حکمت

B.M. Box 655  
London WC1N 3XX  
England

# اسناد و مصوبات کنفرانس دوم تشکیلات خارج کشور

اطلاعیه پایانی دومین کنفرانس تشکیلات خارج از کشور  
حزب کمونیست ایران

ماده پنجم:

حوزه کشوری مجاز است که از میان اعضای حزب در هر کشور عضو جدید به حوزه بپذیرد.

ماده ششم:

در راس حوزه‌های حزبی کمیته خارج کشور قرار دارد. کمیته خارج کشور در چهارچوب اساسنامه سیاستهای عمومی حزب، مصوبات کمیته مرکزی و کنفرانس خارج کشور، تشکیلات خارج کشور حزب را سازمان داده و هدایت می‌کند.

ماده هفتم:

کمیته خارج کشور از حق معمول داشتن اقدامات انضباطی در مورد اعضا تشکیلات خارج کشور برخوردار است. موارد اقدامات انضباطی باید به کمیته مرکزی حزب گزارش داده شود. اخراج عضو از حزب باید قبلاً به تایید کمیته مرکزی برسد.

ماده هشتم:

عضو گیری در تشکیلات خارج کشور در صلاحیت کمیته خارج کشور است. عضوگیری توسط کمیته خارج کشور در محدوده سهمیه تعیین شده از طرف کمیته مرکزی صورت می‌گیرد.

ماده نهم:

کنفرانس خارج کشور سالانه برگزار می‌شود. کنفرانس فوق العاده به درخواست کمیته مرکزی حزب، کمیته خارج کشور و یا اکثریت مطلق اعضای تشکیلات خارج کشور برگزار می‌شود.

ماده دهم:

کنفرانس با شرکت نمایندگان منتخب حوزه‌ها و کمیته خارج کشور تشکیل می‌شود.

تبصره ۱: اعضای کمیته خارج کشور در صورتی که نماینده منتخب حوزه‌ها نباشند با رای مشورتی در کنفرانس شرکت می‌کنند.  
تبصره ۲: کمیته مرکزی حزب و کمیته خارج کشور می‌توانند از میان اعضا و پیش‌عضوهای حزب افرادی را بعنوان ناظر به کنفرانس دعوت کنند.

ماده یازدهم:

ضوابط و نسبت انتخاب نمایندگان برای کنفرانس بوسیله کمیته خارج کشور تعیین و اعلام می‌شود.

ماده دوازدهم:

کنفرانس با حضور دو سوم شرکت کنندگان با رای قطعی، رسمی و قابل تشکیل است.

دومین کنفرانس تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران در نیمه دوم مارس ۹۱ با شرکت نمایندگان حوزه‌های مختلف حزب در خارج کشور برگزار گردید.  
کنفرانس با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت یاد جانباختگان راه سوسیالیسم و با تصویب آئین نامه کار خود را آغاز کرد.

دستور جلسات کنفرانس عبارت بودند از:

- ۱- تصویب اعتبار نامه‌های نمایندگان
- ۲- گزارش کمیته خارج از کشور و اظهار نظر و سؤال پیرامون آن
- ۳- بحث در مورد قرارها و قطعنامه‌های پیشنهادی و تصویب آنها
- ۴- انتخاب کمیته خارج کشور

در پایان کنفرانس کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران توسط نمایندگان کنفرانس انتخاب شد.

کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران.

۳ آوریل ۹۱

آئین نامه تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران

ماده اول:

تشکیلات خارج کشور یک سازمان ویژه حزبی است که مطابق ماده ۶ اساسنامه حزب کمونیست ایران توسط کمیته مرکزی سازمان داده شده است. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را کمیته مرکزی تعیین می‌کند.

ماده دوم:

تشکیلات خارج کشور یک تشکیلات مخفی است.

ماده سوم:

سلول پایه تشکیلات خارج کشور حوزه کشوری است که سازماندهی و هدایت فعالیت های حزب در قلمرو یک کشور را بر عهده دارد.

ماده چهارم:

در شرایطی که گستردگی فعالیت حزب در یک کشور ایجاب کند حوزه کشوری مجاز است که واحدهای شهری را در شهرهای مختلف ایجاد کند. حدود اختیارات و وظایف این واحدها را حوزه تعیین می‌کند.

۳- طرح اخراج نمایندگان شوراهای اسلامی از سازمان بین‌المللی کار و خواست شرکت نمایندگان واقعی کارگران ایران در آن.

کنفرانس خارج کشور می تواند:

- ۱- کمیته خارج کشور را انتخاب کند.
- ۲- سیاستهای عملی و تشکیلاتی تشکیلات خارج کشور را با توجه به سیاستهای رسمی حزب تصویب نماید.
- ۳- قطعنامهها و پیامهای مورد نظر خود را تصویب کرده و انتشار دهد.

ماده چهاردهم:

با توجه به انتشار نشریه کارگر امروز و تاثیراتی که این نشریه در جهت گسترش زمینهای فعالیت سوسیالیستی - کارگری در همین مدت محدود داشته است، کنفرانس بدینوسیله حمایت جدی خود از این نشریه را اعلام می دارد.

کنفرانس خود را نسبت به تقویت جدی کارگر امروز متعهد دانسته و در این رابطه از تشکیلات خارج از کشور حزب می خواهد به کلیه شیوههای ممکن از جمله کمک به توزیع آن در میان کارگران ایرانی و غیر ایرانی، استفاده از نهادهای حرفه‌ای پخش و توزیع، رساندن آن به تشکلهای و فعالین کارگری، تقویت مالی آن و ارسال خبر، گزارش و عکس و ... اقدام نمایند.

کمیته خارج کشور به منظور پیشبرد وظایف و امور سراسری خود و تسهیل امر هدایت تشکیلات ارگانهای ستادی ضروری را زیر نظر مستقیم خود سازمان می دهد. این ارگانها فعالیتهای مختلف از قبیل ترویج و آموزش، انتشارات، امور فنی و تدارکاتی را انجام می دهند. اعضا ارگانهای ستادی توسط کمیته خارج کشور برگزیده می شوند.

قرار در مورد "انتشار نشریات کارگری به زبانهای محلی"

کنفرانس انتشار نشریات کارگری به زبانهای محلی توسط فعالین حزب در کشورهای مختلف را در جهت شناساندن وضعیت طبقه کارگر ایران و تقویت رابطه با فعالین جنبش کارگری مفید تشخیص داده و همه فعالین حزب را برای یاری رساندن به این نشریات فرا می خواند.

قرار در مورد "کار با افکار عمومی"

نظر به گزارش کمیته خارج کشور:

کنفرانس تشکیلات خارج کشور بسط فعالیت در رابطه با افکار عمومی و مراجعه مستمر و پیگیر به رسانهای عمومی و استفاده از این ارگانها و ابزارهای تماس با تودههای وسیع را در دستور کار فعالین خارج کشور حزب کمونیست می گذارد.

قطعنامه در مورد جلب همبستگی بین المللی با کارگران ایران

جلب همبستگی بین المللی کارگری با کارگران ایران، یک رکن مهم فعالیت کمونیستی ما است و در دوره اخیر فعالیت حزب در خارج کشور تلاشهای ارزنده‌ای در این زمینه صورت گرفته است. تا کنون تعداد قابل توجهی از اتحادیههای کارگری در کشورهای مختلف اروپا و امریکا که میلیونها کارگر را نمایندگی می کنند با صدور قطعنامه و ارسال نامه اعتراضی به سفارت خانههای جمهوری اسلامی، به بی حقوقی کارگران ایران اعتراض کرده‌اند. اعتراض به دستگیری فعالین کارگری، اعتراض به اعدام جمال چراغ ویسی، اعتراض علیه قانون کار جمهوری اسلامی همراه با خواست تشکل و اعتصاب و آزادی کارگران زندانی در ایران رهوس این فعالیت ها را تشکیل داده است.

کنفرانس دوم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران ضمن ارج نهادن بر این فعالیت ها که تا همین حد فشار محسوسی بر جمهوری اسلامی وارد کرده و او را وادار به عکس‌العمل نموده است، از همه اعضا و فعالین حزب در خارج کشور می‌خواهد تا فعلا به کمپین های جلب همبستگی با کارگران ایران بپیوندند.

کنفرانس بر پیشبرد و گسترش کمپین های زیر بعنوان رهوس فعالیت در این زمینه تاکید می کند:

۱- تداوم کمپین اعتراض به اعدام جمال چراغ ویسی سختران اول ماه مه ستندج و به کلیه اعدامها و دستگیری فعالین کارگری همراه با خواست آزادی کارگران و کلیه زندانیان سیاسی.

۲- تداوم کمپین اعتراض علیه قانون کار جمهوری اسلامی و حمایت از حق تشکل و اعتصاب برای کارگران ایران.

قطعنامه در باره

کار در میان پناهندگان و مهاجرین ایرانی

موقعیت زیستی و کاری بخش اعظم پناهندگان ایرانی بطور عینی به موقعیت طبقه کارگر در کشورهای محل اقامت آنان گره خورده است. متشکل کردن و بسیج این توده وسیع در جهت سیاستها و شعارهای رادیکال و کارگری یک رکن مهم فعالیت حزب در خارج کشور است. در شرایط کنونی، این امر با توجه به رشد روز افزون راسیسم و قوانین ضد پناهندگی و اوضاع رو به وخامت پناهندگان به لحاظ اقتصادی و اجتماعی از اهمیتی بسیار مبرمتر و فوری تر برخوردار شده است.

فعالیت ما باید جمعیت مهاجر و پناهنده ایرانی را برای مقابله با سیاستهای ضد خارجی دولتهای بورژوازی آماده کند و زمینه قرار گرفتن هر چه بیشتر و موثرتر آنها را در کنار طبقه کارگر و مبارزات وی فراهم نماید.

گسترش فعالیتهای سوسیالیستی کارگری و حزبی، کنفرانس سیاست کمته خارج کشور را که در سند ( سیاست ما در مورد اعضای که از سازمانهای دیگر حزب به خارج کشور منتقل میشوند ) مورد تأیید قرار داده و از کمته آتی خارج از کشور می خواهد که سیاست خود را بر این مبنا قرار دهد.

### سیاست ما در مورد اعضای که از سازمانهای دیگر حزب به خارج کشور منتقل می شوند

در حال حاضر تعدادی از اعضای حزب به دلایل مختلف از جمله وجود محدودیت های امنیتی برای فعالیت، انجام کارهای معالجاتی و غیره از سازمان کردستان و یا تشکیلات شهرهای حزب به خارج کشور منتقل می شوند. این دسته از رفقا علی القاعده باید فعالیت های خود را در تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران ادامه دهند و به حوزه های حزبی در کشورهای مختلف بپیوندند. اما برای بیوستن فوری این رفقا به حوزه های حزبی و شروع فعالیت موانع و محدودیت هایی وجود دارد که بدوا باید رفع شوند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران هنوز فاقد سنت ها و روشهای جا افتاده و تثبیت شده فعالیت کمونیستی است. اقدامات جدی تری که از سال گذشته برای تجدید سازمان تشکیلات خارج کشور صورت گرفته علیرغم پیشرفتهای محسوس هنوز به نتایج قطعی خود نرسیده است. بدیهی است که در صورت وجود یک سازمان حزبی در خارج کشور که با سنت های کار کمونیستی در عرصه های مختلف فعالیت خود آشنا باشد هر عضو تازه وارد به این سازمان حتی اگر در شرایط و موقعیت متفاوتی فعالیت کرده باشد و به ملزومات کار در خارج کشور آشنا نباشد در مدت کوتاهی راه و روش فعالیت در خارج کشور را می آموزد و خواهد توانست به سهم خود بخشی از فعالیت های کمونیستی در این عرصه را انجام دهد. وضعیت کنونی تشکیلات خارج کشور متأسفانه یکی از عواملی است که مانع از پذیرش فوری اعضای سازمانهای دیگر حزب به حوزه های حزبی در خارج کشور می گردد. از طرف دیگر رفقای که از سازمانهای دیگر حزب به خارج کشور می آیند، وارد شرایط و موقعیت کاملاً متفاوتی از لحاظ شرایط زندگی و زیست خود می شوند. در بدو امر این رفقا با مشکلات اولیه اخذ پناهندگی و استقرار، معالجه، فراگیری زبان و غیره روبرو می شوند. حل این مشکلات به نحوی که هر کس از موقعیت تثبیت شده تری برخوردار گردد و در عین حال تا حدی با مسائل سیاسی و اجتماعی کشور محل اقامت خود آشنا شود به وقت و فرصت کافی احتیاج دارد. حل این مشکلات و آشنایی لاقلاً اولیه با مسائل کشورهای محل اقامت خود به هر کدام، از این رفقا امکان میدهد که با امکانات و آمادگی بسیار بیشتری در عرصه کار در خارج کشور فعالیت کنند.

با توجه به مسائل یاد شده رؤس سیاست ما در مورد رفقای که از سازمانهای دیگر حزبی به خارج کشور منتقل می شوند از اینقرار است:

۱- این رفقا حداقل بمدت یکسال پس از ورود به خارج کشور از شرکت در حوزه های حزبی و بعده گرفتن مسئولیت انجام فعالیت های حزبی معاف هستند. پس از پایان یکسال در صورتی که هر یک از رفقا احتیاج به فرصت بیشتری برای حل مشکلات خود و آشنایی

فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان ایرانی که تا کنون فعالیتهای مفیدی را به پیش برده است باید به سازمانده قدرتمند مبارزات بخش وسیع مهاجرین ایرانی تبدیل شده و در برابر گرایشات بورژوازی و ناسیونالیستی به تقویت و نفوذ هر چه بیشتر و گسترده تر افق سوسیالیستی در میان آنان بپردازد.

کنفرانس از همه اعضا و فعالین حزب در خارج کشور می خواهد:

۱- توده های هر چه وسیعتری از مهاجرین و پناهندگان ایرانی را حول سیاستها و فراخوانهای فدراسیون بسیج کرده و بدین طریق نفوذ فدراسیون را در میان آنان گسترش دهند.

۲- با جذب تعداد هر چه بیشتری از مهاجرین و پناهندگان ایرانی به تحکیم و توده ای کردن شوراهای موجود پرداخته و برای ایجاد شوراهای جدید براساس سیاستها و جهت گیری های فدراسیون بپردازند.

۳- فعالانه برای پیوند شوراهای موجود و فدراسیون با سازمانها و اتحادیه های کارگری بکوشند.

۴- به معرفی، تبلیغ و اشاعه اهداف و سیاستهای حزب در میان مهاجرین و پناهندگان پرداخته، نشریات و اوراق حزبی و سوسیالیستی را در میان آنان توزیع کرده و گرایش سوسیالیستی را در میان آنان تقویت کنند.

۵- تقویت همبستگی از طریق افزایش همکاری در زمینه های نویسندگی، تهیه گزارش و خبر و عکس و... و همچنین گسترش توزیع آن را در دستور کار خود قرار دهند.

### قرار در مورد "توزیع و فروش نشریات"

کنفرانس دوم تشکیلات خارج کشور از وضعیت توزیع و فروش نشریات حزبی در خارج کشور نارضایتی خود را ابراز می کند و خواهان تلاش جدی و مستمر کلیه فعالین و اعضا حزب در خارج کشور برای بالا بردن تیراژ نشریات حزب است. به این منظور کنفرانس انجام اقدامات زیر را مقرر می دارد:

۱- کمته خارج کشور منتخب کنفرانس، خود راسا امر توزیع نشریات حزب در میان حوزه ها و فعالین حزب را بر عهده بگیرد و به امر توزیع و فروش آن نظارت دقیق داشته باشد.

۲- برای توزیع و فروش نشریات از روشهایی استفاده شود که نشریات را به طور هر چه وسیعتر به مهاجرین ایرانی عرضه کند. فروش در مراکز تجمع و گروه های مهاجرین ایرانی، استفاده از کانالهای عادی عرضه نشریات از قبیل کتابفروشی ها، کتابخانه ها، دکهای فروش نشریات، از جمله این روش ها است.

۳- عرضه و فروش نشریات توأم با اقدامات سیاسی معینی از جمله معرفی نشریات و مقالات آنها، برگزاری سخنرانی حول مطالب نشریات و آکسیونهای فروش توأم باشد.

قرار در مورد اعضای که از سازمانهای دیگر حزب به خارج کشور منتقل می شوند

بمنظور حل و فصل معضلات واقعی ناشی از انتقال اعضای حزب از سازمانهای دیگر به خارج کشور و جهت شرکت موثر آتی آنها در



و شماره تلفن کمیته خارج کشور برای مکالمه تلفنی منظم در نشریه اکتبر درج می شود و از این طریق میتوان با کمیته خارج کشور تماس گرفت. همچنین این رفقا باید آدرس و در صورت امکان شماره تلفنی در اختیار ما قرار دهند تا اسناد و نشریات حزبی برای آنها ارسال شود. لازمست رفقا منظم کمیته خارج کشور را در جریان وضعیت خود قرار دهند.

انتظار ما اینست که رفقا در دوره‌ای که از شرکت در فعالیتهای حزبی در خارج کشور معاف هستند فعالانه برای حل و فصل مشکلات اولیه خود، آشنایی با شرایط کشور محل اقامت خود و بویژه فراگیری زبان تلاش کنند و با توان و امکانات بیشتری خود را برای پیشبرد فعالیت های کمونیستی در خارج کشور آماده کنند.

در خاتمه با توجه به اطلاعیه کمیته خارج کشور در مورد آخرین مرحله بازسازی و ایجاد حوزه‌ها مندرج در نشریه (اکتبر) شماره ۲، رفقای مشمول این اطلاعیه طبعاً از شرکت در این حوزه‌ها نیز معاف هستند.

کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران

ژوئیه ۹۰

با ملزومات و روشهای فعالیت در خارج کشور داشته باشند، کمیته خارج کشور این موضوع را بررسی کرده و در صورت لزوم با آن موافقت خواهد کرد.

۲- این دسته از رفقا مدتی را که از پذیرش مسئولیت برای انجام فعالیتهای حزبی معاف هستند باید صرف حل و فصل مشکلات خود از قبیل امور معالجاتی، اقامتی، فراگیری زبان و آشنایی اولیه با اوضاع کشور محل اقامت خود و همچنین آشنایی با ملزومات و روشهای فعالیت در خارج کشور کنند.

۳- کمیته خارج کشور طی این مدت خود را موظف میداند که نشریات و اسناد حزبی را بدست این رفقا برساند. در حل و فصل مشکلات اقامتی، معالجاتی و غیره حتی‌المقدور کمک های لازم را به این رفقا بنماید و برای آشنایی آنها با سیاستها و موازین فعالیت در خارج کشور از طریق جلسات و یا اسناد آموزشی اقدام کند.

۴- این رفقا پس از ورود به هر یک از کشورها موظفند که کمیته خارج کشور را از وضعیت خود مطلع کنند. آدرس مکاتباتی

## با کمیست و صدای حزب کمونیست ایران مکاتبه کنید

درمکاتبه با ما به نکات زیر توجه داشته باشید:

- ۱) سازماندهی و برقراری رابطه تشکیلاتی حزب با هواداران از طریق مکاتبه صورت نمیگیرد.
- ۲) گزارشهای خبری را بطور غیر مستقیم، یعنی با کمک دوستان و آشنایان خود در خارج کشور، برای ما ارسال دارید.
- ۳) در صورتیکه میخواهید سئوالات و نقطه نظرات سیاسی خود را در مورد مواضع و تبلیغات حزب و یا مسائل دیگر با ما در میان بگذارید و نامه شما حاوی گزارشهای خبری نیست، میتوانید نامه های خود را مستقیماً به آدرسهای اعلام شده پست کنید.
- ۴) درمکاتبه چه از طریق مستقیم و چه غیر مستقیم، این نکات را اکیداً رعایت کنید: از نوشتن اطلاعاتی که میتواند باعث شناسائی افراد و اماکن آنها از طرف پلیس شود، در نامه ها و روی پاکت خودداری کنید، خط خود را حتی المقدور تغییر دهید، نامه ها را از شهرهای کوچک و یا منطقه زندگی خود پست نکنید، نامه ها را حد اقل در دو نسخه و از محلهای مختلف پست کنید.

— آدرس آلمان — آدرس انگلستان —

BM. BOX 3123  
LONDON WC1N 3XX  
ENGLAND

POST FACH 501722  
5000 KOLN 50  
W. GERMANY

### ارتباط تلفنی

از طریق تلفن میتوانید با کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران تماس بگیرید:  
سوئد ۱۳۳۹۸۸-۰۱۰  
همه روزهای هفته ساعت ۲۱-۱۲

از طریق آدرس زیر نشریات حزب کمونیست ایران را مشترک شوید:

I.S.F  
Box 3023  
143 03 Värby  
SWEDEN

از طریق آدرسهای زیر با کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران تماس بگیرید:

O.I.S  
Box 50040  
10405 Stockholm  
SWEDEN

BM  
Box 3004  
London WC1N 3XX  
ENGLAND

## صدای حزب کمونیست ایران

طول موج های ۷۵ متر ، ۶۵ متر و ۴۹ متر

ساعات پخش شنبه تا پنجشنبه :

۸/۵ بعد از ظهر و ۶/۲۵ صبح

جمعه ها :

۸ صبح و ۸/۵ بعد از ظهر

## صدای انقلاب ایران

طول موج های ۴۹ ، ۶۵ ، ۷۵ متر و ۴۱ متر

ساعات پخش : بعد از ظهر ۱۲/۳۰ تا ۱۳/۴۵ کردی

۱۳/۴۵ تا ۱۴/۱۵ فارسی

عصر ۱۷/۳۰ تا ۱۸/۴۵ کردی

۱۸/۴۵ تا ۱۹/۱۵ فارسی

ANDEESHEH  
C/A 2323257  
NAT. WEST. BANK  
P.O. BOX 4QQ  
19 SHAFTSBURY AVE.  
LONDON W1A 4QQ  
ENGLAND

در صورتیکه با فعالین حزب ارتباط ندارید، میتوانید کمکهای مالی خود را به حساب های بانکی زیر در خارج کشور واریز کرده و یک نسخه از رسید بانکی را به یکی از آدرسهای علنی حزب ارسال نمائید.

# زنده باد سوسیالیسم!